

به مناسبت روز جهانی کارگر

نگاهی به چندمسأله پیشاروی کارگران

تقی روزبه

یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۸

اول ماه مه امسال درشرایطی برگزار میشود که سرمایه داری جهانی با یکی از شدیدترین بحران های ۸۰ سال اخیر خودمواجه شده است. و بازم مانند همیشه راه برون رفت ازبحران را درسرشن کردن این بحران بردوش کارگران و زحمتکشان و ازطریق بیکارسازی های دهها میلیونی و تزریق مبالغ تریلیونی از کمک های گشاده دستانه دولتی و خزانه عمومی متعلق به مردم، ازطریق کاهش سطح زندگی توده های بی کران زحمت و کار، و دریک کلام ویرانگری و خانه خرابی میلیونها انسان صورت می دهد تا مجددا به نقطه تعادل و مطلوب سودهی برسد(سرمایه داری هیچگاه راهی بجزاین گونه فرافکنی برای عبورازبحران نشناخته است، مگرآنکه زیرفشارکارگران و زحمتکشان مجبوربه درپیش گرفتن رفتاری خلاف طبع خود شده باشد). بی شک نظام سرمایه داری با گرفتارشدن دریک چنین بحرانی درموقعیت ضعیف و آسیب پذیری قرارگرفته و شرایط بالقوه مستعدی برای پایان دادن به عقب نشینی نیروی کار و شروع پیشروی آن-که به مدت طولانی تحت فشارسرمایه داری نئولیبرال به به آن تحمیل شده بود- فراهم شده است. اما فعالیت یافتن این امکان بالقوه مستعد را دوعامل اساسی تهدید می کند: نخست آفت رقابت های موجود درمیان صفوف پرولتاریا هم درمقیاس ملی و هم بویژه درمقیاس جهانی(که درمقایسه با همبستگی و هم گرایی بورژوازی جهانی همبستگی متقابل نیروی کاروزحمت ازشکاف های جدی رنج می برد) و دیگری خطررفرمیسم و شعارهای اصلاح طلبانه و معطوف به ترمیم سیستم موجود توسط دولتهای سرمایه داری ازجمله دولت جدید آمریکا و دول بزرگ اروپائی و احزاب و سازمانهای دنباله روی آنان است که برای متشتت نمودن و آرام کردن صفوف کارگران و توده های بیقراروناراضی و عده های فریبنده ای می دهند. بنابراین ضرورت تحکیم همبستگی و اتحاد جهانی پرولتاریا و مقابله با رفرمیسم (ونه الزاما هر رفرمی) درکنار نبردهای موضعی و کشوری که نباید دست کم گرفته شود- دوش شرط اساسی تغییرتوازن نیروبسود کارگران است. بی تردید بدون نقد و جمع بندی دست آوردهای تجربیات منفی و مثبت قرن بیستم و آنچه که برما گذشت و طی گردید و با درنظرگرفتن تغییرات عظیمی که درساختارنیروی کار و سرمایه و ازجمله ورود به مرحله جدیدجهانی شدن و نحوه جهانی سازی آن صورت گرفته و می گیرد، مزدو حقوق بگیران، کلیه طردشدگان و به حاشیه رانده شدگان توسط سرمایه جهانی یعنی همه آنهایی که حتا از "نعمت" استثمارشدن ازطریق دریافت دستمزد ثابت و کاررسمی محروم هستند، و دریک کلام واقعیت یافتن طبقه جهانی کاروزحمت و اشکال نوین سازمان یابی آنها، هرگز نخواهند توانست با اتکاء صرف به مبارزات موضعی و محلی و یاسنتی خود به هدف های اصلی و رهائی بخش خویش نائل شوند. درحال با تشدید بحران و جهانی شدن هرچه بیشترمبارزه طبقاتی، محتوا و پیام اصلی ماه مه که همانا برجسته ترشدن منافع مشترک کارگران جهان و خصلت انترناسیونالیسی مبارزه آنان است که اساسا خود را درمطالبات

مشترک جهانی نشان میدهد؛ بیش از پیش اهمیت خود را به مثابه ضرورت بی چون و چرا برای برون رفت از بحران نمایان می سازد. در حال حاضر یکی از مهمترین خواست های مشترکی که کارگران جهان را به هم گره می زند، همانا مقابله با انواع سیاست های ناظر به سرشکن کردن بحران به دوش کارگران به مثابه خواستی ملموس و فراگیر، و تاکتیکی در مقیاس جهانی است. یعنی مقابله با اخراج و بیکارسازی تا اختصاص بودجه های کلان کشوری و جهانی برای نجات این "حضرت بیمار". در حال کارگران که با سیاست های هم آهنگ شده بورژوازی جهانی مواجه است، نمی تواند بدون وارد کردن گردان های هم آهنگ خود در مقیاس جهانی به این نبرد سرنوشت ساز، به صرف بسنده کردن به نبردهای پراکنده و محلی، از عهده دفع سرشکن کردن بحران و تشدید استثمار، و به طریق اولی تضمین پیشروی های بعدی به سوی اهداف رهایی بخش خود برآید. این یک شعار عام و فراگیر است که در کشورهای مختلف رنگ و بوی خود را دارد.

اما در کنار شعار عام و جهانی فوق کارگران ایران به مثابه یکی از این گردانهای جهانی، با دشواری های مضاعف و خودویژه، و از جمله سه چالش و معضل زیرمواجهند که سنگینی فشار برگرده آنها را چندین برابر می کند:

الف- بحران اقتصادی موجود در کشوری با دولت رانتی نفتی و متکی به آن با توجه به افت شدید قیمت نفت و نیز بحران مزمن اقتصادی، ابعاد شدید تر و دردناک تری دارد. سیاست شوک تراپی موسوم به آزادسازی قیمت ها از طریق حذف یارانه های دولتی، دارای پی آمدهای شدید و دردناک اقتصادی و اجتماعی مضاعف است. سیاست فوق از رئوس اصلی برنامه رژیم در سال جاری است که با شعار بهبود الگوی مصرف هم آذین بندی شده است. مساله تورم عنان گسیخته و رسماً ۲۵-۳۰ درصدی موجود-یکی از بالاترین نرخ ها در منطقه و جهان- به سرعت سطح زندگی اقشار زحمتکش را تحت تأثیر قرار داده است. سیاست بیکارسازی های وحشیانه، همراه با سرکوب و بی حقوقی موجود در یک نظام استبدادی، گسترش بی سابقه کارهای موقت و قراردادی موسوم به کاغذی و افزایش ساعات و شیفت کار و فرسودگی ناشی از آن، نه فقط سطح زندگی را شتابان تنزل میدهد بلکه با دامن زدن به رقابت های درونی و تقویت روحیه کنش های انفرادی برای نجات آنچه در معرض خطر از دست دادن قرار گرفته، کل صفوف و موقعیت زحمتکشان و قدرت چانه زنی آنها را مورد تهدید قرار می دهد.

چنین وضعیتی با وجود تشدید ستم و فشار مشترک بر همه، اما در کنار بی افقی، باز تولید کننده روحیه مبارزات انفرادی و تکیه یک جانبه بر نبردهای موضعی و خود بسنده، پرهیز از گره زدن مبارزات خود با مبارزات بخش های دیگر طبقه و مبارزات خرد با مطالبات کلان می شود. و حال آنکه میدانیم بدون پیوند مطالبات و مبارزات خرد با مطالبات و مبارزات کلان برون رفتی بر بحران همه جانبه و عمیق کنونی بسود کارگران متصور نیست.

ب- رژیم همراه با تشدید فلاکت و بحران اقتصادی، امر سرکوب بیشتر کارگران و تشکل های کارگری، تغییر قانون کار و الغاء آن را به مثابه بازوی مکمل پیش برد سیاست های اقتصادی در دستور کار خود قرار داده است. و همین مساله اتحاد هر چه بیشتر صفوف کمابیش متفرق نیروی کار و نبردهای پراکنده کنونی را طلب می کند.

ج- مساله مهم دیگر مساله نمایش انتخاباتی است که در سال جدید برگزار میشود. انتخاباتی که از یکسو نمایشی ترین انتخابات کل حیات جمهوری اسلامی محسوب می شود و از سوی دیگر رژیم بر آن است تا آن را به نمایشی در برابر انظار جهانی و ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به سیاست های سرکوبگرانه خویش در آورد. و در همین

رابطه تلاش های گوناگونی صورت می گیرد تا با شکستن فضای تحریم، یعنی مهمترین و بزرگترین صف آرائی سیاسی شهروندان در برابر رژیم حنا به اتکاء آمارهای خودش، کارگران و مردم ناراضی را در بحبوحه تدارک بزرگترین تهاجم به زندگی آنها، به پای "انتخابات" بکشاند (امری که متأسفانه تحت عنوان گزین بین بدو بدتر موجب آشفتگی هائی در میان بخشی از فعالین کارگری و زنان و دانشجویان و... گردیده است). در هر حال مقابله با توهم اصلاح رژیم و داغ کردن تنور نمایشی ترین انتخابات کل حیات حاکمیت و شکستن جو تحریم برای مشارکت در معرکه ای که شرکت در آن جز به تقویت موقعیت متزلزل رژیم و تیز کردن تیغ سرکوب بر فراز سر همه شهروندان و آشفتگی در صفوف در حال تکوین کارگران منجر نخواهد شد، یکی دیگر از مسائل مهم پیشروی کارگران است.

بحران و تقویت زمینه های همبستگی

بحران معمولاً به مثابه یک شمشیر دودم عمل می کند. همانطور که مطرح شد گرچه تعمیق بحران، بیکار سازی و آویختن شمشیر آن بر سر در هر کارگاه و بر فراز سر هر شاغلی از یکسو موجب تقویت روحیه محافظه کاری، تشدید رقابت های درون طبقاتی و تقویت رویکرد واکنش های انفرادی میشود ولی از سوی دیگر بدلیل ابعاد و شتاب بحران که با هر موجی جمعیت کثیری را به زیر خط فقر می راند، در عین حال زمینه گسترش آگاهی متضاد با رویکرد فوق را در بطن خویش می آفریند. این آگاهی معطوف به آن است که با چنگ زدن به حفظ وضع موجود نمی توان چیزی را حفظ کرد. مشاهده آن موج بلند فلاکت (سونامی در حال حرکت) و وقوف به این که با دفاع از وضع موجود نمی توان چیزی را حفظ کرد، منشأ باز تولید این گرایش متضاد و بالنده است. آری مشهود شدن برآمدن مد بلند دریای فقر و فلاکتی که اکثریت بزرگی از مزد و حقوق بگیران را به از دست دادن هر آنچه دارند تهدید می کند، نزدیک شدن به نقطه غیر قابل تحمل، آنهم در شرایط فقدان ظرفیت رفم در رژیم و نبود امکان رشوه دهی (همانطور که در مورد ناکامی احمدی نژاد در پرداخت یارانه های نقدی شاهدش بودیم)، زمینه های درک ضرورت همبستگی و مبارزه برای مطالبات مشترک را فراهم می کند. نگاهی به منحنی حرکت های اعتراضی کارگران و همه مزد و حقوق بگیران در طی چند سال اخیر، نشان دهنده آن است که علیرغم جو سرکوب و دستگیری و افت و خیزها، اما در مجموع منحنی مبارزاتی از نقطه نظر شاخص های مهمی چون تشکل یابی، شفاف شدن و تعمیق مطالبات، تقویت همگرایی و همبستگی، پیوند با سایر جنبش های اجتماعی و با مبارزات بین المللی، حفظ روحیه ادامه کاری علیرغم ضرب و شتم های رژیم، حاکی از پیشروی آن ولو کند است. نمونه تداوم مبارزات هفت تپه، شرکت واحد، برخاستن مجدد معلمان پس از آن سرکوب وسیع دوره قبل، و یا تداوم فعالیت جنبش زنان و دانشجویان با همه ضربات و دستگیری های به عمل آمده ... دلیلی بر وجود چنین روند است.

ائتلاف و همکاری تشکل های کارگری گوناگون در آستانه برگزاری اول ماه مه امسال (گرچه هنوز نتوانسته همه این نوع تشکل ها با گرایشات گوناگون را در برگیرد اما گام مهمی روبه جلو است که باید تلاش کرد تا هم تثبیت شود و هم دامنه آن هر چه فراگیرتر گردد). محتوای بیانیه و سمت گیری آن علیه نظام سرمایه داری، تأکید بر اهمیت تشکل های مستقل، حمایت از سایر بخش های طبقه بزرگ مزد و حقوق بگیر و بطور مشخص از اعتراضات و خواسته های معلمان، حمایت از سایر جنبش های اجتماعی و نیز ضرورت تقویت صفوف همبستگی با کارگران جهان و..... از جمله نکات مثبت این بیانیه است.

البته ناگفته نماند آنچه که موجب میشود شتاب تکوین روند اخیر که به معنی ظهور زمینه های اقدام مشترک حول مطالبات مشترک است، نتواند آنگونه که لازم است شتاب داشته باشد، صرفنظر از عامل سرکوب همانا برخوردهای بعضا فرقه ای -سکتاریستی و یا بعضا رفرمیستی است که بجای تقویت صفوف همبستگی موجب تضعیف آن می شود. این تصور که گرایش با محور قرار دادن حقانیت خود بخواد همه را بزیرپرچم خود بکشد، چیزی جز بازتولید تفرقه و تشتت در صفوف پراکنده اردوی کارو زحمت نیست. و البته تجربه های گذشته نیز بر بطلان این نوع اندیشه خویش محوری مهر تأیید زده است.

اگر بر استی خود را متعهد و پای بند به هدف بزرگ تقویت صفوف همبستگی کارگران و کلیه مزد و حقوق بگیران بدانیم، آنگاه راهبردهای سه گانه زیر الهام بخش پیمودن این هدف بزرگمان خواهد شد:

۱- پذیرش واقعیت متکثرو پلورالیستی طبقه بزرگ مزد و حقوق بگیران اعم از رسمی و غیر رسمی و همه استثمارشوندگان بایا بدون مزد، پذیرش واقعیت گرایشات گوناگون و موجود در میان آنها و از جمله در میان فعالین کارگرو از جمله در مورد نوع و نحوه تشکل یابی در نزد آنها (و البته در کنار داشتن حق تبلیغ مواضع خود).

۲- همکاری هم گرایشات حول مطالبات عینی و فراگیر و هم اکنون بسیج کننده (در هر حدی که مورد توافق هست) در برابر سرمایه داری و دولت حامی آن با هدف تغییر وضعیت و فراتر رفتن از آن. نباید فراموش کرد که کارگران در بستر تغییر وضعیت است که می توانند خود را تغییر دهند و به آگاهی ها و افق های جدید تر دست یابند.

۳- مبارزه نظری-سیاسی بر پایه پراتیک مبارزه طبقاتی و با گرایشاتی که نادرست و انحرافی تشخیص می دهیم (گرایشات رفرمیستی و یا فرقه ای- سکتاریستی و جذب و نقد دست آوردهای تاریخی مثبت و منفی مبارزات کارگران جهان)، بدون آنکه بخواهیم این مبارزه نظری و سیاسی را آن چنان عمده کنیم که موجب نفی اشتراکات موجود و همکاری در این حوزه ها بشود.

تقی روزبه

taghi_roozbeh@yahoo.com

۱۳۸۸-۰۲-۱۰-۳۰-۰۴-۲۰۰۹

www.taghi-roozbeh.blogspot.com